



Efficacy Analysis of Iran's Foreign Policy Strategies in Turkmenistan and Tajikistan

Mohammad-Ali Basiri

Associate Professor of International Relations, Department of Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

Email: basiri@ase.ui.ac.ir

Saleh Salavarzizadeh

Ph.D. in International Relations, Department of Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

Iran has close historical and economic ties with Central Asia, which provides a strong foundation for establishing mutual relations. The geographical position of Central Asian countries creates grounds for cooperation with Iran. The Islamic Republic of Iran has increasingly sought engagement in the Central Asian region to secure its national interests, diversify its economy, and prevent global isolation resulting from international sanctions. In recent years, Iran and Tajikistan have expanded their mutual cultural and scientific cooperation, with most of these activities taking place in Tajikistan. Iran and Turkmenistan have also established bilateral relations since independence. Iran has supported Turkmenistan's policy of "neutrality" and its ambivalent attitudes toward the Commonwealth of Independent States. This research employs a descriptive-analytical approach to answer the following questions: What are Iran's foreign policy strategies in these two republics? Have these strategies been effective in securing Iran's national interests in these two countries? The findings indicate that when analyzing the key political drivers in bilateral relations, Iran's foreign policy in Tajikistan and Turkmenistan has not been commensurate with their mutual potential. Only in the last two years, with the adoption of the "Look to the East" foreign policy, have bilateral relations begun to develop progressively.

Keywords: Iran, Tajikistan, Turkmenistan, Foreign Policy, SWOT, PESTLE.





تحلیل کارآمدی راهبردهای سیاست خارجی ایران در ترکمنستان و تاجیکستان

محمدعلی بصیری

دانشیار روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

Email: basiri@ase.ui.ac.ir

صالح سلاورزی زاده

دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

ایران دارای پیوندهای تاریخی و اقتصادی نزدیک با آسیای مرکزی است که پایه‌ای قوی برای ایجاد روابط با یکدیگر فراهم می‌کند. موقعیت جغرافیایی کشورهای آسیای مرکزی باعث ایجاد زمینه‌های همکاری با ایران می‌شود. جمهوری اسلامی ایران به‌طور فزاینده‌ای به دنبال تعامل در منطقه آسیای مرکزی برای تأمین منافع ملی خود و تنوع بخشیدن به اقتصاد خود و همچنین جلوگیری از انزوای جهانی حاصل از تحریم‌های بین‌المللی بوده است. در سال‌های اخیر ایران و تاجیکستان همکاری‌ها و پروژه‌های فرهنگی و علمی متقابل خود را افزایش داده‌اند که بیشتر این فعالیت‌ها در تاجیکستان انجام شده است. ایران و ترکمنستان نیز بعد از استقلال اقدام به برقراری روابط دوجانبه نموده‌اند. ایران از سیاست خارجی «بی‌طرفی» ترکمنستان و نگرش‌های مردم آن نسبت به کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، دفاع نموده است. پژوهش حاضر به استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤال است که استراتژی‌های سیاست خارجی ایران در این دو جمهوری کدامند؟ آیا استراتژی‌ها کارآمدی لازم جهت تأمین منافع ملی ایران در این دو کشور را دارا بوده است یا خیر؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با تحلیل پیشران‌های سیاسی مؤثر در روابط طرفین، سیاست خارجی ایران در دو کشور تاجیکستان و ترکمنستان در تطابق به پتانسیل‌های دوجانبه نبوده است و تنها در دو سال اخیر با اتخاذ سیاست خارجی نگاه به شرق روابط طرفین آهنگ توسعه در پیش گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ایران، تاجیکستان، ترکمنستان، سیاست خارجی، سوات و پستل.



مقدمه

هدف از تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها و گونه‌شناسی مدل تصمیم‌گیری آن‌ها به دلیل شناختن بهتر راهبردهای‌های آن‌ها در صحنه بین‌المللی است تا شناخت بهتری از عملکرد سیاسی آن‌ها به دست آید (یزدان فام، ۲۴۷: ۱۳۷۸). منطقه آسیای مرکزی از دریای خزر در غرب تا مرز چین در شرق گسترش می‌یابد. در شمال توسط روسیه و در جنوب به ایران، افغانستان و چین محدود شده است. آسیای مرکزی یکی از مناطق محوری جهان است که در هسته مرکزی فضای قاره‌ای اوراسیا قرار دارد و ارتباط محکمی بین چندین اقتصاد قوی و پویا مانند چین، اتحادیه اروپا، هند، ژاپن و روسیه ایجاد کرده است. این منطقه اهمیت خود را مدیون پتانسیل اقتصادی وسیع و موقعیت ژئواستراتژیک خود است که به سرعت در حال رشد در مرکز اقتصاد جهانی است. منطقه‌ای است که در آن اثرات ژئوپلیتیک و رقابت بین قدرت‌های بزرگ در مقایسه با سایر نقاط جهان بیشتر احساس شده است. (Duarte, 2014: 116) در قرن نوزدهم امپراتوری روسیه اکثر قسمت‌های آسیای مرکزی به جز بخش شمالی جای که اکنون قزاقستان است در قرن هفدهم و هجدهم توسط کاخ‌های سیبری^۱ و اورنبرگ^۲ مستعمره شده است، را فتح کرد. در ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ م، تحت حکومت شوروی تقسیم منطقه‌ای آسیای مرکزی چندین بار تغییر کرد و مرزهای فعلی در سال ۱۹۳۶ تثبیت شدند.

کولایی معتقدند که بعد از فروپاشی شوروی و عدم توان این کشور برای توجه مجدد به حوزه آسیای مرکزی در اوایل استقلال آن، مجدداً به مانند قرن گذشته و این بار در قرن بیستم میان قدرت‌های حاضر در منطقه رقابت شدیدی درگرفت که از آن با عنوان «بازی بزرگ جدید»^۳ یاد کرده است (کولایی، ۱۳۸۴: ۱۰). بعد از استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی ایران اقدام به برقراری ارتباط با جمهوری‌های ترکمنستان و تاجیکستان نموده است، این پژوهش با اتخاذ رویکرد توصیفی و تحلیلی به دنبال پاسخگویی به این مسئله است که راهبردهای‌های سیاست خارجی ایران در این دو جمهوری چیست؟ آیا راهبردها کارآمدی لازم جهت تأمین منافع ملی ایران در این دو کشور را دارا بوده است یا خیر؟

1. Siberia
2. Orenburg
3. Great New Game



۱. پیشینه پژوهش

توکلی و برزگر (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی اقتصادی و سیاست همسایگی ایران و ترکمنستان» در پی پاسخ به این مسئله پژوهش بوده‌اند که: الزامات و ظرفیت‌های سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران با ترکمنستان چیست؟ با فرض ایجاد ظرفیت‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همسایگی ترکمنستان برای ایران، این مهم را عاملی جهت دفاع تنگنای اقتصادی و سیاسی ایران در نظر گرفته است. کوزه‌گر و علویان (۱۳۸۸) پژوهش مدنظر با نام «سیاست خارجی ایران و آسیای مرکزی؛ بسترهای همگرایی و زمینه‌های واگرایی» ایران در آسیای مرکزی از طرفی از همگرایی بهره‌مند شده و از جهتی دیگر عوامل تنش‌زا منجر به ایجاد چالش‌های برای این کشور در منطقه شده است که همیشه بر سیاست خارجی ایران در این حوزه تأثیر داشته است. نویسندگان نهایتاً به این نتیجه رسیده‌اند که در ارزیابی کلی از روند سیاست خارجی ایران در قبال منطقه آسیای مرکزی و نیز قفقاز می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که «سه گفتمان ایدئولوژیک، فرهنگی - تمدنی و ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز از ابتدای شکل‌گیری این منطقه، ظهور کرده‌اند. نگارندگان این مقاله خصوصاً آقای کالاجی از محققان فعال این حوزه یعنی آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشند. این مقاله با ذکر بسترهای همگرایی و واگرایی ایران و آسیای مرکزی تا حدودی با کار ما اشتراک موضوعی دارد، اما در بیشتر مباحث که به‌عنوان بسترهای همگرایی از آن‌ها یاد کرده است، مسائل را از دید یک محقق ایرانی مطرح نموده است.

پیشگامی فرد و رنجبری (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان: «تحلیل ژئوپلیتیک روابط ایران و ترکمنستان با تأکید بر دیپلماسی آب و انتقال انرژی» به تحلیل نقش آب و انتقال انرژی بر روابط دو کشور پرداخته و نهایتاً به این نتیجه رسیده‌اند که مناسب‌ترین زمینه و علت مؤثر بر روابط دو کشور همکاری در دو حوزه انتقال انرژی و هیدروپلیتیک است. کلارک^۱ (۲۰۱۵) در پایان‌نامه دکتری خود با عنوان «روابط جمهوری اسلامی ایران با تاجیکستان در دوره پشاوروی» استدلال می‌کند که روابط دو کشور نه تنها از نداشتن اعتماد و سوء تفاهم دوجانبه رنج‌برده که تحت تأثیر بی‌ثباتی‌های قابل توجه منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. پیروز^۲ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «رشد نقش ایران در آسیای مرکزی؛ حساب سود و زیان ژئوپلیتیک، اقتصادی و سیاسی» بیان می‌کند که ایران در سال‌های اخیر

1. Clark

2. Pirooz

سعی کرده است خود را در صحنه آسیای مرکزی از نظر اقتصادی و فرهنگی تحمیل کند. این مقاله سه پرسش اصلی مطرح می‌کند:

- ۱- تا چه حد افزایش نقش ایران وضعیت منطقه را تغییر خواهد داد؟
 - ۲- آیا تهران امیدوار است تا تأثیر بیشتری بر تجارت اقتصادی منطقه داشته باشد؟
 - ۳- آیا ایران در فکر نفوذ سیاسی و مذهبی در آسیای مرکزی و افغانستان است، همان‌گونه که رهبران سیاسی منطقه و نیز تعدادی از تحلیل‌گران محلی و غربی به‌طور منظم ادعا می‌کنند؟
- وی نهایتاً نتیجه‌گیری می‌کند که هرگونه نفوذ ایران در منطقه به تدریج به وجود می‌آید و این نفوذ در گروه نزدیکی با ایالات متحده است. نوآوری این پژوهش نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده به تحلیل همه‌جانبه و بین‌رشته‌ای برمی‌گردد که تاکنون در محدود پژوهش‌های تخصصی مربوط به مطالعات منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است.

۲. مبانی نظری

نگارنده هم با لحاظ نمودن این نقیصه در استفاده از نظریه‌ها و مدل‌های تحلیل سیاست خارجی کشورها سعی کرده است با ایجاد مدلی مفهومی همه جوانب و ابعاد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای مرکزی را مورد تحلیل آسیب‌شناسانه قرار داده و در ادامه با استفاده از همین مدل پیشنهادها مناسب را جهت اتخاذ یک استراتژی سیاست خارجی متناسب با هر کشور از منطقه آسیای مرکزی ارائه دهد. این مدل مفهومی متشکل از دو مدل برنامه‌ریزی راهبردی و مدیریت راهبردی به نام مدل «سوات» و «پستل» است.

روش کار در این پژوهش به این صورت خواهد بود که:

مرحله اول: اولین گام مشخص کردن مسئله پژوهش یعنی تحلیل سیاست خارجی ایران در منطقه آسیای مرکزی است.

مرحله دوم: در گام دوم پژوهش نقاط قوت و ضعف داخلی و فرصت و تهدیدات خارجی را تحت عنوان پیشران‌ها فهرست می‌کنیم.

مرحله سوم: در این مرحله راهبردهای فعلی سیاست خارجی ایران در منطقه را بر اساس ادوار ریاست جمهوری در ایران تشریح و تحلیل می‌کنیم.



مدیریت راهبردی (استراتژیک)

مدیریت راهبردی شامل تدوین و اجرای اهداف و ابتکاراتی است که مدیران عالی یک سازمان بر اساس در نظر گرفتن منابع و ارزیابی محیط داخلی و خارجی که سازمان در آن فعالیت می‌کند، انجام می‌دهند (Nag, Hambrick and Chen, 2007: 935). مدیریت استراتژیک می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از نظریه‌ها و چهارچوب‌ها با پشتیبانی ابزارها و تکنیک‌ها طراحی شود تا به مدیران سازمان‌ها در تفکر، برنامه‌ریزی و اقدام استراتژیک کمک کند. (Qehaja, Kutllovci and Pula, 2017: 585)

مطمئناً تکنیک‌ها، ابزارها، روش‌ها، مدل‌ها، چهارچوب‌ها، رویکردها و روش‌های بی‌شماری در قالب مدیریت استراتژیک برای پشتیبانی از تصمیم‌گیری در مدیریت استراتژیک وجود دارد که در دسترس محققان قرار دارند. این تکنیک‌ها می‌توانند در تمام مراحل فرآیند مدیریت استراتژیک چون: ارزیابی وضعیت، تجزیه و تحلیل استراتژیک گزینه‌ها و اجرای استراتژیک گنجانده شوند. بر این اساس ابزارهای استراتژیک متنوعی برای حمایت از مدیران در تصمیم‌گیری استراتژیک ایجاد شده است. (Qehaja, Kutllovci and Pula, 2017: 586)

تحلیل «سوات» و «پستل»

یک ابزار تجزیه و تحلیل استراتژی کلاسیک بر اساس چهار مؤلفه است: نقاط قوت، ضعف (در داخل)، فرصت‌ها و تهدیدات (محیط). تجزیه و تحلیل سوات و روش برنامه‌ریزی استراتژیک از مدرسه بازرگانی هاروارد در دهه ۱۹۶۰ م. آغاز شد. محققان در این مدل، یک استراتژی خوب را تناسب بین وضعیت خارجی شرکت (کشور) و کیفیت و ویژگی‌های داخلی آن (کشور) تعریف می‌کنند. چهارچوب تجزیه و تحلیل سوات دارای دو بخش متمایز است. اول: به نقاط قوت و ضعف درونی یک سازمان (کشور) نگاه می‌کند و سپس مشاهده فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی را فراهم می‌کند (Isoheranen, 2018: 22). ماتریس سوات صرفاً ضعف و قوت‌های داخلی و فرصت‌ها و تهدیدات محیطی را فهرست و استراتژی‌های مرتبط از این ماتریس را تعیین می‌کند. برای تکمیل کردن این ماتریس ما از مدل پستل بهره می‌بریم.

پستل یک ابزار مکمل سوات است که بر زمینه‌ها و عوامل خارجی تأکید دارد. به منظور تحلیل محیط و شناسایی عوامل بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی)، از الگوی تجزیه و تحلیل «پستل» استفاده می‌شود. بر اساس این مدل، محیط خارجی سازمان (کشور) به شش حوزه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، فناوری و مسائل و شرایط زیست محیطی تقسیم شده و بررسی می‌شود.

این یک تکنیک برنامه‌ریزی استراتژیک است که یک چهارچوب مفید برای آنالیز فشارهای محیطی که بر یک تیم یا سازمان وارد می‌آید، فراهم می‌آورد (صمدی، ۱۳۹۷: ۲۳). برای بررسی چالش‌ها و فرصت‌های محیطی در قالب مدل پستل زمانی که مؤلفه‌های مختلف در موضوعات شش‌گانه محیطی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فناورانه، زیست‌محیطی و قانونی را فهرست کردیم، با بررسی این مؤلفه‌ها در کشورهای آسیای مرکزی به صورت تک‌تک و موردی چالش‌ها و فرصت‌های محیطی این منطقه برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مشخص می‌شود.

پستل یک چهارچوب کاملاً کاربردی است که برای تحلیل و نظارت بر عوامل خارجی تأثیرگذار بر یک طرح یا سازمان مورد استفاده قرار می‌گیرد. این چهارچوب فاکتورهای سطح بالایی را که باید در فرایند تجزیه و تحلیل گنجانده شوند، تعریف می‌کند. این چهارچوب اتخاذ یک رویکرد جامع را تشویق می‌کند تا اطمینان حاصل شود که ارزیابی کامل ۳۶۰ درجه از عوامل مؤثر بر یک طرح یا سازمان انجام شده است. این مدل از آمادگی پشتیبانی و به ایجاد انعطاف‌پذیری کمک می‌کند. پستل مخفف کلمات انگلیسی است که عوامل محیطی دولت یا سازمان را از طریق تجزیه و تحلیل آن‌ها توصیف می‌کند (Matovic, 2020. 268).

پستل که مخفف شش کلمه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، محیطی و قانونی است، به ما کمک می‌کند تغییرات محیط خارجی کشورها و رخداد‌های خارج از کنترل کشورها را شناسایی نماییم و آن‌ها را تبدیل به شانس‌ها و امتیازاتی برای سیاست خارجی کشور نماییم. استفاده از مدل پستل باید با همراه با دو عامل مهم باشد. یکی اینکه انطباق با عواملی که خارج از کنترل کشورها یا سازمان‌ها هستند و دوم عواملی که می‌توانند بر سازمان تأثیر بگذارند. مشاهده می‌شود که در این مدل در امتداد مدل سوات و مراحل مدیریت استراتژیک برای ایجاد یک استراتژی کلی و مفید مورد استفاده قرار گرفته‌اند و تکمیل‌کننده مدل سوات است.

۳. تعیین و تحلیل پیشران‌های سیاسی

مجموعه‌ای از مؤلفه‌های مختلف سیاسی و قانونی در سطح داخل و محیط می‌باشند که تأثیر زیادی بر سیاست‌های گذشته، حال و آینده ایران در منطقه آسیای مرکزی دارند. در این بخش از پژوهش، تأثیر مؤلفه‌های سیاسی و قانونی بر سیاست خارجی ایران در کشورهای ترکمنستان و تاجیکستان بررسی می‌شود. نظام سیاسی (فرایند تصمیم‌گیری)، اصول سیاست خارجی، دیپلماسی سازمانی،



تفکرات استراتژیک، نسبت معنای هنجاری (شالوده)، آینده‌پژوهی و الزامات ساختار بین‌المللی از مولفه‌ها و پیشران‌های سیاسی- قانونی هستند که با تحلیل آن‌ها وضعیت سیاسی- قانونی ایران و این جمهوری‌های آسیای مرکزی موردبررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۳. تاجیکستان

در این قسمت از پژوهش پیشران‌های سیاسی مربوط به ایران و تاجیکستان را فهرست و سپس تحلیل می‌نماییم. تاجیکستان با نام رسمی جمهوری تاجیکستان کشوری است که در قلب آسیای مرکزی قرار گرفته است. از شمال با قرقیزستان، از شرق با چین، از جنوب با افغانستان و از غرب و شمال غربی با ازبکستان همسایه است. تاجیکستان کمترین مقدار زمین قابل کشاورزی را در میان پنج کشور آسیای مرکزی دارا است، دارای کوه‌های بلندی است و بیش از نهم قلمرو تاجیکستان کوهستانی است. تاجیکستان از سال ۱۹۲۹ تا زمان استقلال آن در سال ۱۹۹۱ یکی از جمهوری‌های تشکیل‌دهنده اتحاد جماهیر شوروی بود (Hambly, 2021).

عوامل یا به تعبیری دیگر پیشران‌های سیاسی- قانونی متعددی بر موفقیت یا ناکامی سیاست خارجی ایران در مجموعه کشورهای آسیای مرکزی تأثیرگذار هستند که در دو قسمت ضعف و قوت‌های داخلی و فرصت و چالش‌های خارجی و محیطی موردبررسی قرار گرفته‌اند. که از نظر سیاسی، سیاست خارجی ایران در کشور تاجیکستان دارای نقاط قوتی از قبیل: داشتن نظام سیاسی دموکراتیک، کارآمد و برخوردار از قانون اساسی مبتنی بر اصول مردم‌سالاری دینی با وضعیتی «باثبات» در منطقه حساس و پرتنش غرب آسیا است. سیاست خارجی ایران در کشور تاجیکستان با نقاط ضعف داخلی چون نداشتن جایگاه درخور توجه جمهوری تاجیکستان در تفکرات راهبردی تصمیم‌گیران سیاست خارجی، تقابل هنجاری- ارزشی سیاست خارجی دو کشور، عدم توجه جدی به برنامه‌ریزی راهبردی، آینده‌پژوهانه و آینده‌محور نسبت به تاجیکستان، دیدگاه متفاوت نسبت به امنیت منطقه‌ای و سرانجام عدم استمرار و پیوستگی در استراتژی‌های سیاست خارجی ایران نسبت به تاجیکستان بوده است. با تحلیل وزن و اهمیت قوت‌ها و ضعف‌های داخلی سیاسی می‌توان با وسواس بالایی اعلام کرد که تأثیر قوت‌های داخلی بر نقاط ضعف سیاسی داخلی چربش اندکی دارد.

تاجیکستان هرچند بر اساس قانون اساسی این کشور ارتباط با همه کشورها بر اساس احترام متقابل توصیه شده است و ایران در ظاهر در تفکرات استراتژیک حاکمان این کشور جایگاه مناسبی داشته است و قدرت‌های هم‌سو مانند روسیه و چین در این کشور نقش محوری دارند، اما تهدیداتی چون تقابل معنای نظام سیاسی دو کشور، وجود قدرت‌های رقیب و بعضاً متخاصمی در این کشور، دیپلماسی سازمانی خصمانه (البته در چند سال اخیر) از جمله مخالفت با عضویت دائمی ایران در سازمان شانگهای و رویکرد سینوسی، عدم پیوستگی استراتژی سیاست خارجی جمهوری تاجیکستان نسبت به حضور ایران در این کشور جمعاً محیط سیاسی کشور تاجیکستان نسبت به ایران را از حالت فرصت‌گونه خارج و روندی تهدیدوار ایجاد نموده بود اما بعد از عدم مخالفت با عضویت دائم ایران در سازمان شانگهای رویکرد این کشور نسبت به سمت فرصت‌زایی پیش می‌رود.

۲-۳. ترکمنستان

ترکمنستان بعد از قزاقستان و سیع‌ترین کشور آسیای مرکزی است و جنوبی‌ترین کشور از پنج جمهوری منطقه است. ترکمنستان یک کشور محاط در خشکی است و همچنین بعد از قزاقستان، پایین‌ترین تراکم جمعیت را در میان کشورهای آسیای مرکزی دارد. از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۹۱ ترکمنستان یکی از جمهوری‌های تشکیل‌دهنده (اتحادیه) اتحاد جماهیر شوروی بود. این کشور در ۲۷ اکتبر ۱۹۹۱ اعلام استقلال کرد، پایتخت این کشور عشق‌آباد است که در نزدیکی مرز جنوبی با ایران قرار دارد (Hambly, 2021).

تحلیل و بررسی این پیشران‌ها حکایت از این دارد که سیاست خارجی ایران برای حضوری موفق در جمهوری ترکمنستان دارای نقاط قوتی چون نظام سیاسی مردم‌سالار با نظام تصمیم‌گیری مناسب، قانون اساسی دموکراتیک و تعامل محور با جهان خارج، داشتن جایگاه درخور و حتی استراتژیک جمهوری ترکمنستان در تفکرات استراتژیک تصمیم‌گیران سیاست خارجی ایران است. اما در کنار این نقاط قوت داخلی استراتژی‌های سیاست خارجی ایران در این جمهوری با نقاط ضعف داخلی چون: عدم کارایی دیپلماسی سازمانی در قبال این کشور به علت بی‌طرفی سیاسی این کشور در سیاست بین‌المللی، تفاوت اساسی در هنجارهای معنای دو کشور، عدم توجه به برنامه‌ریزی‌های آینده محور و آینده‌پژوهانه و نهایتاً تأثیرات بعضاً منفی الزامات ساختارهای بین‌المللی بر روابط دو کشور همراه بوده است.

محیط سیاسی جمهوری ترکمنستان دارای مؤلفه‌های است، که مانند شمشیر دولبه عمل می‌کنند و در موقعیت‌های مختلف به‌صورت فرصت یا تهدید عمل می‌کنند، ازجمله این مؤلفه‌ها و پیشران‌های سیاسی می‌توان به‌نظام سیاسی و شیوه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی اشاره کرد که هرچند بر اساس قانون اساسی نظامی دموکراتیک ذکر شده است، اما در عمل رئیس‌جمهور تصمیم‌گیر نهایی به‌حساب می‌آید، که اگر رئیس‌جمهور فردی باشد که رویکرد مثبتی نسبت به ایران داشته باشد، به‌عنوان یک فرصت محسوب می‌گردد و بالعکس. پیشران بی‌طرفی در سیاست خارجی این کشور هم در صورتی که به‌صورت کامل در سیاست خارجی این کشور اعمال و رعایت گردد، می‌تواند مفری جهت فرار از فشارهای ساختار فعلی بین‌المللی علیه ایران باشد.

«رفتارشناسی سازمانی ترکمنستان»^۱ حکایت از مثبت بودن رویکرد سازمانی این کشور در قبال ایران دارد، کما اینکه در اکثر قطعنامه‌های پیشنهادی در سازمان ملل متحد به سود ایران رأی داده است. ایران در تفکرات استراتژیک فعلی رهبران جمهوری ترکمنستان جایگاه مهمی دارد به شکلی که محمدا ف رئیس‌جمهور فعلی این کشور در سال ۲۰۰۸ میلادی، در تبیین اصلی‌ترین بنیادهای سیاست خارجی ترکمنستان، بر عنصر توجه به زمینه‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی منطقه توجه کرده و توسعه رابطه با ایران، افغانستان، ازبکستان و جمهوری آذربایجان را به‌عنوان اولویت‌های مهم برشمرد. این مهم حکایت از وجود عنصر آینده‌پژوهی بارویکرد مثبت نسبت به ارتباط با ایران در این کشور است. تأثیر الزامات ساختار بین‌الملل بر روابط این کشور با ایران هم با توجه به سیاست بی‌طرفی این کشور در ظاهر باید وزن قابل‌توجهی نداشته باشد، اما در عمل مشاهده شده است که ترکمنستان برای رهایی از وابستگی به روسیه تمایل به برقراری ارتباط در زمینه‌های مختلف با ایران داشته است و یا از طرفی حضور قدرت‌های رقیبی چون ترکیه و اسرائیل در این کشور به‌صورت تهدید نمایان شده است. بنیان‌های هنجاری دو کشور متفاوت بوده است و می‌تواند تهدید به‌حساب بیاید. در کل محیط سیاسی جمهوری ترکمنستان بیشتر تأمین‌کننده فرصت برای حضور سیاست خارجی ایران در این کشور بوده است.

۱. ۱۰ روز آخر دسامبر هر سال با محوریت ایالات متحده آمریکا در کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، قطعنامه‌ای در خصوص «وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران» به رأی گذارده می‌شود. در این چارچوب جالب توجه آن که در ده سال اخیر آراء قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان به قطعنامه‌های ضدایرانی همواره منفی بوده است و حتی در یک مورد هم سابقه نداشته که نمایندگان این کشورها غایب بوده و یا حتی رأی ممتنع بدهند.

۴. روندها، رویدادها و تصاویر سیاسی

۴-۱. تاجیکستان

در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی تغییری قابل توجه در اهداف و راهبردهای سیاست خارجی ایران به سمت عمل‌گرایی ایجاد شد (Herzig, 2004: 504). حرکت به سمت همکاری منطقه‌ای بیشتر مورد توجه واقع قرار گرفت. ایران توسعه روابط و همکاری منطقه‌ای با آسیای مرکزی را به عنوان وسیله‌ای برای کاهش انزوای بین‌المللی در مواجهه با ادامه خصومت آمریکا مدنظر قرارداد. (Wastnidge, 2017: 40) در پی استقلال تاجیکستان در ۱۸ شهریور ۱۳۷۰ ایران استقلال تاجیکستان را به رسمیت شناخت (سفارت ایران در تاجیکستان ۱۳۹۷/۱۱/۰۱). در سال ۱۹۹۲ رئیس‌جمهور تاجیکستان «رحمان نبی‌اف»^۱ به تهران سفر کرد. اما این کشور در سال ۱۹۹۲ دچار جنگ داخلی شد که این اتفاق روند مناسبات ایران و تاجیکستان را شدیداً تحت تأثیر قرارداد. در آغاز این دوره افزایش قدرت امام‌علی رحمان روابط ایران و تاجیکستان را به‌طور جدی تضعیف کرد (Clark, 2015: 215). در این دوره ایران نقش میانجی را ایفا نمود و بدین‌صورت ایران توانست موقعیت خود در تاجیکستان را تثبیت و افکار منفی را از بین ببرد. در این دوره به دلیل اینکه تاجیکستان تازه به استقلال رسیده بود، روند و رویدادها به‌خوبی قابل تشخیص نیستند و به کلامی دیگر هنوز کاملاً شکل نگرفته‌اند.

پیروزی خاتمی در انتخابات سال ۱۳۷۶، امید به یک تغییر عمده در برنامه‌های داخلی و خارجی ایران بود. خاتمی اعلام کرد که مرکز ثقل سیاست خارجی او تلاش برای از بین بردن اختلاف با غرب است. درحالی‌که خاتمی به دنبال برنامه‌های جهانی بزرگ خود بود، تاجیکستان با اقتصادی ضعیف و وضعیت سیاسی و امنیتی پس از جنگ داخلی، به‌ندرت در خط‌مشی سیاست خارجی ایران در این دوره قرار گرفت. با این حال عدم تمرکز ایران بر تاجیکستان پایانی ناگهانی منتج از تغییر ژئوپلیتیکی ناشی از حملات یازده سپتامبر داشت. تمرکز آمریکا و تعداد زیادی از دیگر بازیگران بین‌المللی بر تاجیکستان باعث شد تا ایران توجه بیشتری به تاجیکستان داشته باشد و روابطی را که در آغاز صرفاً از مفاهیم ساده همبستگی فرهنگی فراتر نرفته بود، به مجموعه‌ای از وعده‌های سیاسی و اقتصادی تبدیل کند. چنین استدلال می‌شود که دولت خاتمی در طول نخستین دوره چهارساله خود بی‌توجهی کامل به تاجیکستان را به نمایش گذاشت اما با توجه به رویدادهای یازده سپتامبر،

1. Rahman Nabiyev



تعامل ایران با تاجیکستان به سرعت افزایش یافت. علاقه جدید ایران به تاجیکستان صرفاً حاصل منافع ژئوپلیتیکی بود و می‌توان آن را «موقتی»^۱ و «واکنشی»^۲ در مقابل حملات یازده سپتامبر و حضور آمریکا در این کشور قلمداد کرد (Clark, 2015: 193). مشاهده می‌شود تا این دوره پیوستگی در روابط طرفین مشهود است و حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱ هم منجر به پیوستگی بیشتر روابط ایران و تاجیکستان شده است. پیروزی احمدی‌نژاد در سال ۲۰۰۵ می‌توانست تغییری عمده در سیاست خارجی ایران باشد. رئیس‌جمهور جدید ایران به شدت به دنبال رویکرد سیاست خارجی بود، که عمدتاً متضمن دفاع از حق ایران برای توسعه برنامه هسته‌ای و توجه بیشتر به روابط با همسایگان شرقی بود به کلامی دیگر نظریه «نگاه به شرق» در حال تقویت است. مواضع پوپولیستی و متضاد این دولت در مورد مسائل سیاسی نشان داد که تغییرات عمده‌ای در نحوه برخورد ایران با مسائل بین‌المللی ایجاد شده است (Habibi, 2013: 1-8). بنابر اظهارنظرهای احمدی‌نژاد ایران و تاجیکستان دو «شریک استراتژیک»^۳ بودند (Sodiqov, 2010: 19). احمدی‌نژاد قصد داشت از روابط تقریباً صرفاً اقتصادی که در طول دوره خاتمی ایجاد شده بود، فراتر رود و به دنبال ایجاد روابط قوی فرهنگی، سیاسی و راهبردی بود (Francois, 2010: 1-5). روابط نظامی دو کشور نیز شاهد یک توسعه قابل توجه در سال ۲۰۱۱ بود. «شیرعلی خیرالله اف»^۴ وزیر دفاع تاجیکستان در حضور احمدی‌نژاد در طی بازدید از تاجیکستان گفت: "در موارد اضطراری نیروهای مسلح ایران می‌توانند در عرض دو ساعت به تاجیکستان وارد شوند. ما دو کشور برادر و دوست متحد در برابر دشمنان هستیم. درحالی‌که احمدی‌نژاد گفت ایران و تاجیکستان «یک روح در دو بدن»^۵ هستند (Shakir, 2017: 71).

در دسامبر ۲۰۱۵ رهبر «حزب نهضت اسلامی» تاجیکستان «محمی‌الدین کبیری» که توسط دادگاه عالی تاجیکستان منحل شده بود و رهبران این حزب از کشور متواری شده بودند، برای شرکت در یک کنفرانس بین‌المللی به نام «اتحاد اسلامی» در تهران برگزار شد، دعوت شد. صندلی‌های اختصاص داده شده به کبیری در کنار نماینده رسمی تاجیکستان قرار داشتند. مقامات تاجیکستان به سرعت اعتراض رسمی خود به این اقدام را با احضار سفیر ایران در تاجیکستان نشان دادند. نماینده مذهبی دولت تاجیکستان در این کنفرانس «سعیدمکرم عبدالقادرزاده»^۶، رئیس شورای علمای تاجیکستان

1. Temporary

2. Reactive

3. Strategic Partner

4. Shir Ali Khairallahov

5. One soul in Two Bodies

6. Saeed Mukram Abdul Qadarzadeh

پس از بازگشت از ایران اظهار داشت: ایران به‌طور آشکار از دشمنان ملت تاجیک حمایت می‌کند. ما هرگز با هیچ کشوری خصومت نداشتیم. سایر علمای مذهبی این کشور هم خواهان تجدیدنظر دولت در روابط با ایران شد (Shafiev, 2016: 4). پیامدهای منفی شبکه مالی وابسته به بابک زنجانی در تاجیکستان به موازات واکنش اعتراضی دولت تاجیکستان به حضور محی‌الدین کبیری نشان داد که روابط دو کشور به تدریج از فضای سنتی و نزدیک گذشته دو کشور فاصله گرفته است (کوزه گرکالجی، ۱۳۹۶). تاجیکستان با پیوستن ایران به «سازمان همکاری شانگهای»^۱ مخالفت کرد و تهران را به حمایت از کودتای سپتامبر ۲۰۱۵ و حمایت از رهبران «حزب نهضت اسلامی»^۲ در تاجیکستان متهم کرد. اما در تحولی مثبت با توجه به سفر روحانی به تاجیکستان و دیدار با رئیس‌جمهور تاجیکستان در جریان پنجمین نشست «کنفرانس تعامل و اعتمادسازی در آسیا (سیکا)»^۳ در خرداد ۱۳۹۸ و دیدار با رئیس‌جمهور تاجیکستان و تأکید طرفین بر بهبود روابط و در ادامه سفر وزیر خارجه تاجیکستان به ایران و انتخاب سفرای جدید دو کشور انتظار می‌رود، روابط دو کشور به سمت وسوی مطلوب‌تری سوق داده شود، هرچند بحث خروج آمریکا از برجام و فضای فعلی سیاست بین‌المللی و تحریم‌های گستره علیه ایران به صورت مانعی عمده در این مسیر به حساب می‌آید. روابط دوجانبه دو کشور در سال‌های اخیر به علت بحران‌های ذکرشده در سطح مطلوبی نبوده است و روابط چندجانبه دو کشور هم در قالب پیمان شانگهای، سازمان ملل متحد، اکو دنبال شده است. تحلیل روندها و رویدادهای روابط طرفین نشان می‌دهد «رویدادهای مربوط به حضور محی‌الدین کبیری» در ایران و «شبکه وابسته به بابک زنجانی» و مخالفت تاجیکستان به عضویت ایران در پیمان شانگهای به گسستی بزرگ در روابط طرفین انجامید، اما در ادامه با سفر آقای روحانی به تاجیکستان و سفر وزیر خارجه ایران در سال ۱۴۰۰ به این کشور منجر به پیوستگی متعادل‌تری در روابط گردیده است. باروی کارآمدن آقای رئیسی و شرکت ایشان در بیست و یکمین نشست سران شانگهای با تغییر رویکرد تاجیکستان در قابل ایران و عدم مخالفت این کشور با عضویت دائم ایران در این سازمان عضویت دائمی ایران توسط اعضای اصلی پذیرفته شده و همچنین در نشست مشترک روسای جمهور دو کشور بر تقویت روابط تأکید شد. در این نشست آقای رئیسی روابط دو کشور را «قبل و قلبی» توصیف نمود. با این رویداد و تغییر رویکرد تاجیکستان در قبال ایران به نظر می‌رسد یخ روابط دو کشور آب خواهد شد.

1. Shanghai Cooperation Organisation

2. Islamic Renaissance Party

3. Conference on Interaction and Confidence-Building Measures in Asia



۴-۲. ترکمنستان

در سال ۱۹۹۱ مهم‌ترین تحولی که در شمال ایران به وجود آمد، فروپاشی شوروی و تأسیس دولت‌هایی جدید در آسیای مرکزی و قفقاز بود. ایران از بدو تأسیس تا فروپاشی شوروی با مرزی معادل ۲۲۵۰ کیلومتر با این کشور همسایه بود. اما پس از فروپاشی و پیدایی کشورهای مستقل جدید با عنوان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، ایران در شمال از طریق خشکی و دریا با کشورهای ترکمنستان، قزاقستان، روسیه، آذربایجان، و ارمنستان هم مرز گردید. ترکمنستان به‌عنوان یکی از کشورهای تازه استقلال‌یافته ۹۹۲ کیلومتر مرز مشترک خاکی و ۲۰۸ کیلومتر مرز آبی با ایران دارد (زارع، ۱۳۹۳: ۴۸؛ حاجی یوسفی، ۸۹: ۱۳۸۴).

در اواخر حکومت گورباچف-مصادف با ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی در ایران- با باز شدن فضای سیاسی در این کشور و مطرح‌شدن داعیه استقلال از سوی جمهوری‌ها، فرصت ایجاد ارتباط با آن‌ها به برای ایران به وجود آمد. سابقه روابط ایران و ترکمنستان به اوایل پیروزی انقلاب اسلامی بازمی‌گردد (دوجی گمش تپه، ۱۳۹۲: ۷۵). در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی دکتر علی‌اکبر ولایتی در اواخر سال ۱۹۹۱ یک سفر دوره‌ای به کلیه جمهوری‌های مسلمان‌نشین از جمله ترکمنستان داشت. در آن زمان امکان ایجاد رابطه مستقیم با این جمهوری‌ها وجود نداشت و ایران ناگزیر از کانال مسکو با آن‌ها ایجاد ارتباط می‌کرد (عطایی و عزیزی، ۸۰: ۱۳۸۹).

در اکتبر ۱۹۹۳ رئیس‌جمهور سابق ایران هاشمی رفسنجانی از همه کشورهای منطقه به‌جز تاجیکستان که درگیر جنگ داخلی بود بازدید کرد. در جریان این دیدار توافقات زیادی برای توسعه روابط حاصل گردید. با سفر آقای هاشمی به آسیای مرکزی، دوره شورونشاط اولیه به پایان رسید و الگویی ایجاد شد که سیاست آسیای مرکزی ایران در بقیه دهه ۱۹۹۰ را توصیف می‌کرد (دامن پاک جامی، ۱۳۹۷). زیرا اسلام بخش اندکی از مباحث و توافقات رفسنجانی با رهبران آسیای مرکزی را به خود اختصاص داد. در این مقطع ایران به دنبال کاهش رقابت با ترکیه و توجه به ملاحظات روسیه در جمهوری‌ها بود. هرزیگ این دوره دوم سیاست ایران در منطقه را «دوره عمل‌گرایی و همکاری» می‌خواند. آقای هاشمی رفسنجانی ترکمنستان را یک کشور مسلمان و همسایه می‌دانست و اظهار می‌کرد؛ طبق قوانین ایران و اصول سیاست خارجی باید به کشورهای مسلمان کمک کنیم و به همین دلیل کمک‌های این‌چنینی انجام شد. مسعود کرباسیان، رئیس کل گمرک ایران می‌گوید: «در دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی ترکمنستان با بحران غذا روبه‌رو شد. آقای نیازاف

رئیس‌جمهور این کشور از ایران درخواست کمک کرد. آقای هاشمی دستور داد که به این کشور آرد و گندم ارسال شود. اما ترکمنستان پولی برای پرداخت به ایران نداشت. دولت ترکمنستان پیشنهاد کرد که به جای پول آرد و گندم، پنبه به ایران صادر کنند. آن زمان به لحاظ قانون حمایت از تولید داخلی واردات پنبه ممنوع بود. در نتیجه با تصمیم آقای هاشمی بنا شد، پنبه را دریافت کرده و دوباره صادر کنیم. آقای نیازاف همیشه خود را مدیون آقای هاشمی می‌دانست. این موضوع هیچ‌وقت خبری نشد، اما تدبیر آقای هاشمی سبب شد تا روابط ایران با همسایگان ریشه‌دارتر و عمیق‌تر شود» (سلیمانی، ۱۳۹۵). علاقه مردم و مسئولان ترکمنستان به آیت‌الله هاشمی به گونه‌ای است که حتی روستایی را به نام ایشان ثبت کرده بودند که هنوز برقرار است. مشاهده می‌شود روابط دو کشور در این دوره دوستانه بوده است و ایران بر اساس اصول اصلی سیاست خارجی خود که کمک به کشورهای مسلمان است کمک‌های مناسبی در اختیار این کشور قرارداد و محرز است که این گرمی روابط تا حد زیادی نشأت گرفته از کیش شخصیتی روسای جمهور دو کشور بوده است که مشخص می‌کند. بعد از اتمام دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۷۶ سید محمد خاتمی بارویکرد تنش‌زدایی و تعامل با جهان به ریاست جمهوری ایران انتخاب شد. صفر مراد نیازاف، رئیس‌جمهور ترکمنستان ۱۹ اسفندماه ۱۳۸۱ در مجموعه سعدآباد مورد استقبال رسمی سید محمد خاتمی، رئیس‌جمهور ایران قرار گرفت. خاتمی روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکمنستان از بدو استقلال این جمهوری (ترکمنستان) تا سال ۱۳۸۱ را بسیار عالی توصیف نمود. سید محمد خاتمی روابط خوب دو کشور را حاصل اراده رهبری دو کشور توصیف نمودند. رئیس‌جمهوری ترکمنستان نیز در بیان هدف سفر خود به جمهوری اسلامی ایران گفت: «عقاید هر دو کشور به هم نزدیک و یکی است و ما همیشه با کشور دوست و همسایه جمهوری اسلامی ایران در تماس هستیم و تمام مسائل دریای خزر را همواره مورد بحث و مشورت قرار می‌دهیم» (خبرگزاری ایسنا، ۱۹ اسفند، ۱۳۸۲). رویکرد اصلی سیاست خارجی محمد خاتمی بر تعامل و تنش‌زدایی با جهان شکل گرفته بود اما در این بین تأکید اصلی بر تعامل با غرب بود و کمتر به توسعه روابط با کشورهای آسیای مرکزی تمرکز می‌شد.

بعد از به قدرت رسیدن محمود احمدی‌نژاد سیاست «نگاه به شرق» در سیاست خارجی ایران پررنگ‌تر گردید و به همین دلیل احمدی‌نژاد توجه ویژه‌ای به کشورهای آسیای مرکزی نشان داد. سفر آقای احمدی‌نژاد به عشق‌آباد در مرداد ۱۳۸۶، افق روشنی در روابط بین دو کشور ایجاد کرد.



در این سفر که پاسخی به سفر قربان قلی بردی محمد اف رئیس‌جمهور ترکمنستان به تهران بود، چندین سند همکاری میان دو کشور به امضاء رسید (زراع، ۱۳۹۳: ۶۵). ناظران غربی سفر احمدی‌نژاد به ترکمنستان را به‌عنوان بخشی از برنامه اعتمادسازی بین دو کشور مرتبط دانستند که می‌توانست به تهران کمک کند، در صورت تجاوز خارجی به ایران از خاک ترکمنستان علیه آن استفاده نشود. علاوه بر اعلامیه‌ای مبنی بر عدم دخالت در امور داخلی و حاکمیت یکدیگر، طرفین هم‌چنین بر روی سندی توافقی با این مضمون توافق کردند: «طرفین اجازه نخواهند داد که از خاک آن‌ها علیه یکدیگر استفاده شود» این یکی از بخش‌های مهم سند امضا شده در دیدار رهبران ایران و ترکمنستان بود. با این حال برخی از کارشناسان اعتقاد داشتند که ترکمنستان می‌خواهد یک مسیر ترانزیت جایگزین برای گاز طبیعی و سایر کالاهای خود پیدا کند، زیرا این کشور به دنبال گزینه‌های برای صادرات انرژی با هدف دور زدن روسیه است (Tahir, 2006). مشاهده می‌شود که احمدی‌نژاد که شعار عدالت محوری تأکید را بر توسعه روابط با کشورهای همسایه گذاشته بود اما این توسعه روابط بیشتر حالتی نمایشی و احساس محور داشت که نشئت گرفته از شخصیت آقای احمدی‌نژاد بود. دولت روحانی با شعار «تدبیر و امید» از خردادماه ۱۳۹۲ روی کارآمد. از آن زمان فضای سیاست خارجی ایران با پیگیری گفتمان «اعتدال» با دگردیسی‌های گسترده روبه‌رو شد و منطق اعتدال، تعادل و توازن در قالب راهبرد «تعامل سازنده» مناسبات خارجی ایران را شکل داد.

بر این پایه تعامل و تنش‌زدایی به‌ویژه با همسایگان و توجه به رویکرد برد-برد در مناسبات منطقه‌ای در اولویت سیاست خارجی قرار گرفت. دولت یازدهم در عرصه مناسبات با کشورهای همسایه در پی احیای نگاه منطقه‌گرایی و گسترش تعامل با کشورهای همسایه با منطق اجماع، تعادل و اقتدار بوده است. با روی کارآمدن حسن روحانی تنش‌زدایی مجدداً سرلوحه اقدامات سیاست خارجی ایران قرار گرفت و ایران مذاکرات حول برنامه هسته‌ای را آغاز نمود و نهایتاً با توافق ایران و ۵+۱ برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران از طرف غرب مورد پذیرش و امضای برجام گردید. در این دوره هم‌زمان به شرق و غرب توجه شد و کشورهای همسایه و خصوصاً کشورهای آسیای مرکزی مورد توجه قرار گرفتند و مشخصاً سفرهای دیپلماتیک زیادی صورت گرفت.

در طول ۸ سال آقای روحانی دوبار در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ به ترکمنستان سفر کرد و موافقت‌نامه‌های زیادی امضا کرد و همچنین آقای بردی محمداف در مراسم تحلیف آقای روحانی شرکت کرد (انعامی علمداری، ۱۳۹۳).

با پیروزی آقای رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۴۰۰ یکی از اولین تماس‌ها از جانب ریاست جمهوری ترکمنستان با ایشان بود که به نظر می‌رسد تمرکز اصلی ایشان بر همسایگان و خصوصاً کشورهای منطقه آسیای مرکزی قابل توجه باشد. در ارتباط با وضعیت سیاسی ترکمنستان می‌توان گفت که سیاست خارجی «بی‌طرفی» ترکمنستان در قانون اساسی این کشور قیدشده و مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۵ بی‌طرفی ترکمنستان را به رسمیت شناخته است.

این کشور از پیوستن به ائتلاف‌های سیاسی یا نظامی خودداری کرده و روابط خوبی را با شرق و غرب دنبال کرده است. ترکمنستان روابط نزدیک خود با ایران را دنبال کرده است. محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت ایران در مارس ۲۰۱۲ به ترکمنستان سفر کرد و علیرغم درخواست ایالات متحده از ترکمنستان مبنی بر محدود کردن تماس‌ها با ایران، دو کشور متعهد شدند که روابط نزدیک‌تری برقرار کنند. همچنان که در سطر بالا ذکر شد در آگوست ۲۰۱۳ رئیس‌جمهور بردی محمدوف در مراسم تحلیف حسن روحانی رئیس‌جمهور منتخب ایران شرکت کرد و در آنجا هر دو ابراز امیدواری کردند که روابط انرژی و سایر روابط هم‌چنان بهبود یابد (Nichol, 12: 2013).

ذکر شد که ترکمنستان از بدو استقلال تاکنون روابط خوب و دوستانه‌ای با ایران داشته است (سنایی، ۱۲۷: ۱۳۹۰). مشاهده می‌شود که روابط سیاسی ایران و جمهوری ترکمنستان در زمینه‌های مختلف با کمترین تنش و اختلاف‌نظر اساسی بوده است. در این چهارچوب به نظر می‌رسد مناسبات سیاسی همواره بستر ساز مناسبات اقتصادی دو طرف هم بوده است.

باوجود حجم‌های عظیم سیاسی و امنیتی علیه ایران هیچ‌وقت این کشور در تضاد با منافع ملی ایران اقدام نکرده است و در هیچ سازمان و ارگانی علیه ایران رأی نداده است و البته سیاست بی‌طرفی این کشور هم در کنار روابط حسنه سیاسی دو کشور نقش محوری داشته است. روابط دوجانبه دور کشور بدون تنش‌های قابل توجهی بوده است و روابط چندجانبه دو کشور هم در قالب کشورهای حاشیه دریای خزر با تفاهمی قابل توجه دنبال شده است.



۵. راهبردهای مستخرج بر اساس مدل سوات و پستل

۵.۱. تاجیکستان

در دوره اول دولت خاتمی با تمرکز سیاست خارجی ایران بر ترمیم روابط با غرب، تاجیکستان در تفکرات راهبردی دولت‌مردان ایران نقش چندانی نداشت. دور از واقعیت نیست اگر عنوان شود در این دوره ما فاقد راهبرد سیاست خارجی خاصی در تاجیکستان بوده‌ایم. اما دوره دوم از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ راهبرد سیاست خارجی ایران، راهبرد ST بود. با حضور ایالات متحده آمریکا در تاجیکستان و افغانستان بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، ایران در راهبردی «عکس‌العملی» یا «اقتضایی» حضور خود در تاجیکستان را افزایش داد. در دوره احمدی‌نژاد باید گفت که هرچند بر اساس ادعای احمدی‌نژاد روابط دو کشور استراتژیک و به‌سان یک روح در دو کالبد بود و باید سیاست خارجی ایران در قالب راهبرد «تهاجمی» تحلیل شود، اما در عمل راهبردی که در دوره اول دولت احمدی‌نژاد به کار گرفته شد، ST بود. دولت اول احمدی‌نژاد با استفاده از درآمدهای هنگفت نفتی که با بالا رفتن قیمت نفت حاصل شده بود، با اختصاص سرمایه زیادی به طرح‌های زیربنای تاجیکستان در ظاهر روابط مستحکمی با این کشور ایجاد کرده بود؛ اما در دوره دوم دولت ایشان با اعمال تحریم‌های گسترده و همه‌جانبه علیه ایران، توان داخلی دولت احمدی‌نژاد برای سرمایه‌گذاری کاهش یافت و محیطی تهدیدزا در تقابل با سیاست خارجی ایران ایجاد شد. به این خاطر راهبرد (دبلیو. او) سرلوحه سیاست خارجی احمدی‌نژاد قرار گرفت. در این زمان احمدی‌نژاد سعی داشت ضعف‌های داخلی ایجادشده به علت تحریم‌های همه‌جانبه را با استفاده از فرصت‌های محیط ازجمله تاجیکستان ترمیم کند، اما عملاً موفقیت‌آمیز نبود. در تحلیل راهبرد سیاسی سیاست خارجی ایران در دوره روحانی باید گفت با اتمام دوره احمدی‌نژاد و باقی ماندن تحریم‌های همه‌جانبه، ایران عملاً از نظر داخلی توان ادامه سرمایه‌گذاری در کشور تاجیکستان را نداشت و با رخ دادن حوادث مخرب فوق‌الذکر، محیط تاجیکستان بیش از آن‌که فرصت‌زا باشد، باعث زنده شدن تهدیداتی گردید که بعضاً ریشه در شالوده نظام‌های سیاسی دو کشور داشتند. راهبرد WT در دستور سیاست خارجی قرار گرفت. بر اساس این راهبرد ایران سیاستی منفعلانه با هدف کاستن از تهدیدات محیطی و برطرف نمودن ضعف‌های داخلی اتخاذ کرد. هرچند با سفر رئیس‌جمهور ایران به تاجیکستان در سال ۱۳۹۸ و مذاکراتی مثبت با رئیس‌جمهور تاجیکستان و انتخاب سفرای جدید دو کشور و سفر وزرای خارجه طرفین باوجود تحریم‌های شدید یک‌جانبه آمریکا علیه ایران نسیم ترمیم روابط طرفین به‌آرامی وزیدن گرفته است.



و پایان دولت روحانی و روی کارآمدن آقای رئیسی و در ادامه سفر ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران به این کشور در ۲۶ شهریور ۱۴۰۰ جهت شرکت در نشست سازمان همکاری شانگهای و قبول عضویت دائمی ایران در این سازمان که برخلاف سال‌های قبل مخالفت تاجیکستان را در مقابل خود ندید، رویدادی مهم و نقطه عطفی در روابط دو کشور به حساب می‌آید که نتایج آن در آینده در بهبود روابط دو کشور نقش مهمی ایفا خواهد کرد.

۵.۲. ترکمنستان

در بحث سیاسی مشاهده می‌شود ترکمنستان بعد از استقلال با توجه به مؤلفه‌های مختلف و در راستای سیاست خارجی «نگاه به شرق» از جایگاه مناسبی در تفکرات استراتژیک ایران برخوردار بوده است، و این مهم از نقاط قوت داخلی ایران نسبت به ترکمنستان است. حال مهم‌ترین فرصت سیاسی در ارتباط با ترکمنستان این مهم است که ترکمنستان با قرارداد ایران در ردیف کشورهای هدف سیاست خارجی در سال ۲۰۰۸ و «آینده‌پژوهی مثبت» در ارتباط با ایران فرصت مناسبی برای ایران فراهم نموده است، به شکلی که محمدا ف در سال ۲۰۰۸ میلادی، در تبیین اصلی‌ترین بنیادهای سیاست خارجی ترکمنستان، بر عنصر توجه به زمینه‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی منطقه توجه کرده و توسعه رابطه با ایران، افغانستان، ازبکستان و جمهوری آذربایجان را به عنوان اولویت‌های مهم برشمرد.

با توجه به وجود نقاط قوت داخلی سیاسی ذکر شده و فرصت محیطی که ترکمنستان مهیا نموده بود، قاعداً باید استراتژی که مورداستفاده سیاست خارجی ایران قرار می‌گرفت، استراتژی SO و تهاجمی باشد. یعنی ما حضور سیاسی پرقوتی در این کشور داشته باشیم.

اما با وجود نقاط قوت و فرصت سیاسی یادشده و همچنین روابط حسنه فی‌مابین، به علت «اصل بی‌طرفی» ترکمنستان در سیاست خارجی روابط دو کشور به حد متحدان استراتژیک نرسیده است و به صورت روابط دو کشور همسایه «بدون تهدید امنیتی» دنبال می‌شود و البته در کل محیط سیاسی جمهوری ترکمنستان بیشتر تأمین‌کننده فرصت برای حضور سیاست خارجی ایران در این کشور بوده است و عملاً استراتژی سیاسی مورداستفاده ما استراتژی «WO» یا «انطباقی» بوده است و ایران کوشیده است با استفاده از اصل بی‌طرفی در سیاست خارجی ترکمنستان که به صورت فرصتی برای سیاست خارجی ایران است، ضعف داخلی حاصل از تحریم‌های ایالات متحده را خنثی نماید.

نتیجه‌گیری

برای تحلیل و بررسی سیاست خارجی یک کشور باید به سه موضوع: استراتژی‌ها یعنی تکنیک‌ها و ابزارهای مورد استفاده کشورها، اهداف سیاست خارجی کشور که شامل اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌شوند و در آخر محیط بین‌المللی توجه کرد و هر کدام را جداگانه بررسی نمود، تا تحلیل سیاست خارجی کشور مدنظر با واقعیت نزدیک‌تر بوده و نتایج مفیدتر به دست آوریم. ما در این پژوهش این سه مرحله را مورد توجه قرار داده و در کنار بررسی استراتژی‌های سیاست خارجی ایران در کشورهای تاجیکستان و ترکمنستان به تحلیل اهداف سیاست خارجی و تأثیر محیط هم پرداخته شد. ذیل رشته مدیریت استراتژیک از دو مدل مناسب برای تحلیل و ارزیابی جامع پژوهش استفاده شده است. مدل SWOT و PESTEL که مدل تجزیه و تحلیل متغیرهای مختلف هستند. ایران در نظام روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای آسیای مرکزی از جایگاه مهمی برخوردار است، اما در مقایسه با شرکای اصلی آسیای مرکزی (چین، روسیه، اتحادیه اروپا) از جایگاه مناسبی در سپهر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه برخوردار نبوده است، و در مقایسه با قدرت‌های منطقه‌ای چون ترکیه و عربستان سعودی رقابت تنگاتنگی با این کشورها جهت نفوذ در منطقه داشته است. این مهم باعث ایجاد انگیزه در نگارنده گردید تا به آسیب‌شناسی جامعی از استراتژی‌های سیاست خارجی ایران در کشورهای منطقه بپردازد. تحلیل مولفه‌ها و پیشران‌های سیاسی-اقتصادی ایران نسبت به جمهوری تاجیکستان حکایت از این مهم داشت که با تحلیل وزن و اهمیت قوت‌ها و ضعف‌های داخلی سیاسی می‌توان با وسواس بالایی اعلام کرد که تأثیر قوت‌های داخلی بر نقاط ضعف سیاسی داخلی چربش اندکی دارد و تحلیل پیشران‌های سیاسی-قانونی تاجیکستان در ارتباط با ایران نشان داد، جمعاً محیط سیاسی کشور تاجیکستان نسبت به ایران را از حالت فرصت‌گونه خارج و روندی تهدیدوار ایجاد نموده است. تحلیل پیشران‌های سیاسی-قانونی ایران و ترکمنستان نشان داد که محیط سیاسی این کشور بیشتر تأمین‌کننده فرصت برای حضور سیاست خارجی ایران در این کشور بوده است. در ارتباط با تحلیل پیشران‌های سیاسی، قانونی ایران در ارتباط با جمهوری قزاقستان شاهد چربش نقاط قوت بر ضعف‌ها می‌باشیم و در صورت فراهم بودن سایر پیشران‌ها فضای مناسبی برای حضور موفق سیاست خارجی ایران در این کشور فراهم می‌گردد.

فهرست منابع

- یزدان فام، محمود (۱۳۸۷) *مقدمه‌ای بر تحلیل سیاست خارجی*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره دوم، ۲۴۷-۲۷۶.
- کولایی، الهه (۱۳۸۴)، *بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی؛ زمینه‌ها و چشم‌اندازها*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- صمدی نیا، ایمان (۱۳۹۸)، *نگاهی به فرصت‌های دیپلماسی اقتصادی ایران و ترکمنستان*، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- توکلی، زهرا؛ برزگر، کیهان (۱۴۰۱)، *دیپلماسی اقتصادی و سیاست همسایگی ایران و ترکمنستان*، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۱۶، صص ۲۸-۳.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ رنجبری، کمال (۱۳۹۹)، *تحلیل ژئوپلیتیک روابط ایران و ترکمنستان با تأکید بر دیپلماسی آب و انتقال انرژی*، مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۳(۲)، صص ۱۷-۳۹۵.
- امیرمحمد حاجی یوسفی (۱۳۸۴)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای*، تهران: وزارت امور خارجه.
- عطایی، فرهاد و عزیزی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، *نقش عامل انرژی در روابط ایران و ترکمنستان*، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره سوم، ۷۰-۱۰۶.
- پاکدامن جامی، مرتضی (۱۳۸۸)، *دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی*، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- سلیمانی، رضا (۱۳۹۵)، *روایتی جالب از روستای «رفسنجانی» در ترکمنستان و عزای مردم این منطقه برای «آیت‌الله رفسنجانی»*، ۲۶ بهمن ۱۳۹۵.
- انعامی علمداری، سهراب (۱۳۹۳)، *سفر روحانی به ترکمنستان؛ آغاز دوره تازه در روابط ایران و آسیای میانه*، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، کد خبر: ۸۱۵۳۷۰۱۶.
- سنایی، مهدی (۱۳۹۰)، *روابط ایران و آسیای مرکزی؛ روندها و چشم‌اندازها*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.



References

- Duarte, P. & Afonso, B. (2014). "Iran and Turkeyin Central Asia", Iranian Review of Foreign Affairs, Vol.5,No2,109-133.
- Batsaikhan, U. & Dabrowski, M. (2017). "Central Asia — twenty-five years after thebreakup of the USSR", Russian Journal of Economics, VOL. 6,No.12, 296-320.

